

## به نام خدا

هر روزه در محاورات معمولی در سطح جامعه یا محل کار با افراد متنوعی روبرو می شویم که راجع به هر چیز و هر کس سخن می گویند و حاضرند وقت بگذارند، جز در حیطة حقوق انسانی خود و دیگران. هر یک برای این عملکرد خود توجیهی ذهنی یا رفتاری دارند. عده ای می گویند حقوق بشر ابزار سیاسی قدرتهاست یا وسیله دعوا بین برخی کشورها فلذا نباید آن را جدی گرفت، عده ای می گویند کی رعایت می کند که ما به آن اهمیت دهیم، عده ای می گویند سواد حقوقی نداریم در حالی که بحث های حقوقی نیاز به تخصص ویژه در این زمینه را دارد، عده ای می گویند تا دولتمردان و حاکمان بدان اهمیت ندهند و در عملکرد آنها نمود نداشته باشد گفتن ما چه فایده ای دارد صاحبان قدرت کار خود را می کنند، عده ای می گویند ای بابا مگر می شود در این کشور از حقوق بشر صحبت کرد و فوراً برچسب سیاسی نخورد یا هزینه ای نپرداخت، عده ای به منابع دینی اشاره می کنند و اینکه ما فقط این منابع را قبول داریم نه آنچه دنیا به عنوان حقوق بشر مطرح می کند، عده ای می گویند ای بابا با شکم گرسنه مگر می شود از حقوق بشر صحبت کرد می دویم که یک لقمه نان در بیاوریم و در نهایت عده ای صادقانه

ابراز می کنند که چیزی در این زمینه نمی دانند یا به طور جدی راجع به آن فکر نکرده اند اگر چه در رفتار عملی خود سعی می کنند به دیگران ظلم نکنند و کار اجتماعی خود را به درستی و از روی وجدان انجام دهند. اگر بنا باشد فهرست واکنش های مردمی را لیست کنیم خیلی مفصل تر از اینهاست ولی به همین چند نمونه بسنده می شود تا ابتدا در ذهن خود مجسم کنیم که خود ما جزو کدام گروه از مردم هستیم. پس از آن می توانیم قدری تامل کنیم که آیا واکنش ما درست می باشد یا خیر؟ اصلاً حقوق بشر چیست و به چه دردی می خورد؟ توضیحات فشرده زیر را با هم مرور می کنیم تصمیم گیری با خود شما مخاطب محترم:

حقوق بشر به زبان ساده عبارتست از آنچه هر یک از ما به طور ذاتی به دلیل انسان بودن از آن برخورداریم یا برای حفاظت از گوهر انسانی باید از آنها بهره مند باشیم تا بتوانیم به کمال انسانی و رشد شخصیت فردی و اجتماعی نائل آئیم. حق های مزبور را مخاطبین ما اعم از حکومت و اجزاء آن و دیگر افراد باید رعایت کنند همانگونه که ما باید در قبال حقوق دیگران و تکالیف در قبال حاکمیت این گونه عمل کنیم. در دنیای امروز چون حکومت ها بر مبنای قانون عمل می کنند و قوانین نیز تجلی وجدان عمومی مردم و

اعتقادات آنهاست معمولاً حقوق انسانی یکایک آحاد جامعه و تکالیف مربوطه در قوانین مختلف پیش بینی می شود. مهمترین قانونی که در هر کشور حقوق انسانی و تکالیف مربوطه را مقرر می دارد قانون اساسی است قانون اساسی در اکثر کشورها معمولاً چارچوبه های کلی حقوق ملت و برخی از مهمترین حق ها را ذکر می کند ولی راه را باز می گذارد که متناسب با پیشرفت جامعه بشری از طرق مختلف لیست حقوق و تکالیف شهروندی توسعه یابد مثلاً در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اگر چه ضمن فصل سوم (اصول ۱۹ الی ۴۲) حق های مختلف انسانی ذکر گردیده و ضمن اصول دیگری نیز به حقوق ملت یا گروههای خاص اشاره صریح شده ولی در اصل دوم قانون اساسی که مبنای و پایه های نظام معین شده صراحتاً اعتقاد به کرامت انسانی و لزوم رجوع مستمر به فتاوی مراجع جامع الشرایط و پیشرفت های نوین بشری بیان گردیده تا دائماً برای حفاظت از گوهر انسانی تلاش درون دینی و برون دینی جهت شناسایی قواعد مناسب انجام پذیرد. در جای دیگری از قانون اساسی پیش بینی شده که پس از تصویب مجلس شورای اسلامی، اسناد بین المللی و قواعد پذیرفته شده جهانی جزو نظام حقوقی داخلی می شود که همه باید رعایت کنند. در قانون اساسی، امکان قانونگذاری

مستمر برای مجلس شورای اسلامی فراهم است که متناسب با نیازهای جامعه حقوق و تکالیف معینی را مقرر دارد و برای مجموعه قضات دیوان عالی کشور نیز این امکان وجود دارد که در قالب "رای وحدت رویه" تفسیری خاص از قانون را که در عمل برداشت های مختلف راجع به آن وجود دارد و اختلافات قضائی متنوعی را موجب شده ارائه نمایند که این نظر نیز در حکم قانون برای همه لازم الاجرا خواهد بود. حال که ابعاد محتوایی حقوق بشر قدری روشن شد، فرض کنیم که در سطح دنیا برخی قدرتها از عنوان حقوق بشر سوء استفاده می کنند آیا دلیل می شود که ما حقوق خود را شناسیم و برای تحقق آنها تلاش نکنیم آیا اتفاقا سیاسی کاری برخی قدرتها نباید انگیزه مضاعف به ما بدهد که ما تصویری مناسب از حقوق انسانی و رعایت آن را به جهانیان عرضه کنیم؟ آیا می توان ادعای دینداری کرد ولی حقوق انسانی دیگران را نقض کرد این همه دستورات الهی در مورد حق الناس را چه می کنیم؟ مگر در تفکر اسلامی گفته نمی شود که حق الناس در طول حق الله است یعنی با رعایت حقوق هممنوع، همزمان می توان اقدامی عبادی نیز انجام داد و با نقض آن مرتکب معصیت الهی می شویم. مگر در تفکر اسلامی گفته نمی شود که نقض حق الله را با توبه، خدای

مهربان می بخشد ولی در مورد نقض حقوق مردم تا رضایت فرد ستمدیده را نگیریم مدیون او هستیم؟ اگر به این اصول در لفظ پایبندیم تا نیرویم و حق های انسانی را به درستی شناسیم و نسبت به رعایت آنها اهتمام لازم را به کار نبریم آیا باز می شود خود را فردی عامل به دین بدانیم؟ نقطه مقابل شهروندان متدین، یعنی آنها که چندان تقیدی به مبانی دینی ندارند و بیشتر تحت تاثیر اندیشه های بشری و تجربیات جهانی هستند باید از خود پرسند که این همه حقوق انسانی که در قانون اساسی ایران یا در تعهدات بین المللی کشور آمده است مگر بدون حضور آنها و مشارکت موثر تحقق می یابد. حریم خصوصی، حیثیت انسانی، منع تفتیش عقیده و دهها حق مشابه در نظام حقوقی، چارچوبه های تضمین شده ای دارند که تا هر یک از شهروندان ابعاد مزبور را ندانند و مطالبه نکنند و خود رعایت نمایند هر آن ممکن است توسط دیگری اعم از فرد عادی یا حکومتی نقض شود و شهروند بی اطلاع منفعلانه به تماشای نقض حق خود بنشیند. و اما شهروندانی که صرفا منفعت محور هستند خوبست تامل کنند که اگر در جامعه رعایت حقوق انسانی نهادینه نشود منافع افراد نیز به شدت آسیب پذیر میشوند. فرد شاید در یک مورد و دو مورد و ده مورد منافعش را به دست

آورد ولی به ناگهان ممکن است همه را از دست بدهد بی آنکه صدای تظلم خواهی او به جایی برسد فلذا منافع فردی نیز اقتضاء می کند که سعی کنیم حقوق دیگران را رعایت و همواره برای تحقق جامعه ای قانونمند و منطبق بر وجدان عمومی مردم تلاش کنیم. آنها که مدعی اند نگران انقلاب و ارزشهای آن هستند می توانند از خود پرسند که مگر جزو آرمانهای اصلی انقلاب آزادی و کرامت انسانی و نفی ظلم و ستم نبود و مگر نگفتیم و نمی گوئیم که انقلاب اسلامی کاملترین الگوهای رعایت حقوق مردم را به جهانیان معرفی می کند آیا این شعارها را جز با عمل صادقانه می توان تحقق بخشید؟ اگر در کشورمان حقوق مردم رعایت نشود و نارضایتی عمومی توسعه یابد و صاحبان قدرت خود را پاسخگوی مردم ندانند و مردم در بیان دردهای خود دچار لکنت زبان شوند باز می توان مدعی شد که از ارزشهای انقلاب حفاظت شده است؟ و در نهایت سایر طیف های فکری تامل کنند: آیا در مورد مشکلات کارگران بدون اینکه کارگر و کارفرما بدانند دارای چه حقوقی هستند و چگونه می توان مسالمت آمیز آنها را عینیت بخشید حقوق آنها امکان رعایت و ارتقاء پیدا می کند؟ آیا صنوف مختلف تجاری اگر حقوق خود را ندانند و به تکالیفشان در قبال مردم پایبند نباشند

هر آن ممکن نیست فعالیت هایشان از سوی مراکز مختلف مورد تعرض قرار گیرد؟ آیا کسانی که حقی از آنها به هر دلیل پایمال شده و افسرده و مایوس شده اند راهی دارند جز اینکه صبورانه جامعه را نسبت به حقوق خود آشنا سازند و با روشهای مسالمت آمیز اصلاحات لازم را در عملکردها و نهادها وارد نمایند؟ روشنفکران و آنها که مجذوب اندیشه های جهانی هستند آیا راهی جز بحث و گفتگو در محافل مختلف برای ارائه اندیشه خود با استدلال و منطق دارند؟ آیا اگر خود آنها حقوق و تکالیف خود را شناسند و یا رعایت نکنند می توانند از دیگران انتظار داشته باشند که دیدگاههای آنها را جدی بگیرند؟ و در نهایت آیا می شود برخی سنت های فرهنگی که از دیرباز به علل مختلف در رفتار همه یا برخی از شهروندان رسوخ یافته و می تواند نقض حقوق انسانی را در پی داشته باشد را بدون تلاش در عرصه حقوق انسانی اصلاح کرد یا تغییر داد. به این نمونه ها توجه کنید: تا دیروز خیلی از مردم در اماکن عمومی و وسائل نقلیه سیگار می کشیدند ولی الان در بسیاری از اماکن و وسایل نقلیه این کار انجام نمی شود و رعایت حق سلامت دیگران را سیگاریها به جا می آورند، تا دیروز خیلی از شهروندان هر کس به درب منزل آنها می آمد و به عنوان مامور دولتی اقدام به

بازرسی می کرد کمتر واکنشی از خود نشان می دادند ولی امروزه اکثر مردم کارت شناسایی معتبر از مامور و مجوز قانونی می خواهند، تا دیروز خیلی از دختران به اجبار حتی در سنین کودکی به ازدواج افرادی در می آمدند که والدین آنها صلاح دیده اند ولی امروز در اکثر مناطق امکان چنین ازدواج هایی نیست تا دیروز دیه اقلیتهای رسمی نصف دیه مسلمانان بود ولی امروز با نظرات فقهی جدید و نظر حکومتی قاعده برابری پذیرفته شده است، تا دیروز خیلی از شهروندان فکر می کردند ایجاد تشکل مدنی یا امکان بیان آزاد نظرات و خیلی موارد دیگر امتیازاتی است که مسئولین به مردم اعطاء می کنند و حال آنکه امروز اکثرا می دانند و می گویند که اینها جزو حقوق ماست و مسئولین باید از این حقوق حفاظت کنند. تا دیروز اگر مشکلی در رابطه با حق بر امنیت شهروندان پیش می آمد کلی وقت و زمان می برد تا امکان ارتباط با پلیس برقرار شود و حال آنکه امروز شماره ۱۱۰ را اکثر مردم می دانند و به راحتی با پلیس ارتباط برقرار می کنند، تا دیروز خیلی از مردم تا در یک مورد حق آنها نقض می شد فوراً یا رادیکال و تند می شدند و یا مایوس و منفعل ولی امروز بسیاری از مردم می دانند که رسیدن به جامعه مناسب نیاز به اتخاذ رویکردهای متعادل، منطقی دارد. تا دیروز

اطلاعات موجود در جامعه در مورد حقوق انسانی بسیار پائین بود و حال آنکه امروز سازمانهای مختلف در حیطه حقوق شهروندی اطلاع رسانی دارند، رشته فوق لیسانس حقوق بشر در چند دانشگاه کشور وجود دارد و کتب متعددی انتشار یافته است و ... به اطراف خود بنگریم صدها نمونه یافت می شود که با رشد فکری و فرهنگی و تلاش و هزینه و صبوری جمعی توانسته ایم از وضعیت منفی به وضعیت مثبت قدم برداریم یا نکات منفی را کمتر کرده ایم و البته در برخی عرصه ها نیز اگر تمرکز کنیم می بینیم به دلیل عمل نامناسب خود و یا عدم تحرک به عقب برگشته ایم یا نقاط منفی کم نشده است. اگر هر یک از ما از همین امروز سعی کنیم که انسان باشیم و انسانی عمل کنیم می دانید که آینده جامعه خودمان و سایر جوامع انسانی که در اثر گسترش ارتباطات به شدت از هم تاثیر می گیرند چه خواهد بود؟ آیا باز تبعیض، بی عدالتی، جنگ، نقض حقوق زنان، کودکان، اقلیتها و ... به وقوع خواهد پیوست و آیا حاکمان بی توجه به حقوق انسانی امکان حکمرانی خواهند داشت؟ لطفا قدری بیندیشید.



## چرا مقوله حقوق بشر باید از جمله مهمترین دغدغه های همه ما باشد؟

از سلسله بروشورهای ترویجی آموزشی کمیسیون  
حقوق بشر اسلامی ایران  
شماره ۱

دفتر مرکزی:

تهران - سیدخندان - ابتدای سهروردی شمالی - کوچه

قرقاول - پلاک ۶

تلفن: ۴-۸۸۵۲۹۷۴۲ (۰۲۱)

فاکس: ۸۸۷۳۸۰۷ (۰۲۱)

پست الکترونیکی: [ihrc@ihrc.ir](mailto:ihrc@ihrc.ir)

سایت: [www.ihrc.ir](http://www.ihrc.ir)